

چرا کتاب نمی‌خوانیم؟

کاوه میرعباسی با بیان این‌که ما ایرانی‌ها با مطالعه انس نگرفته‌ایم معتقد است قیمت و محتوای کتاب بر کتاب‌نخواندن مردم ما تاثیری ندارد.



کاوه میرعباسی با بیان این‌که ما ایرانی‌ها با مطالعه انس نگرفته‌ایم معتقد است قیمت و محتوای کتاب بر کتاب‌نخواندن مردم ما تاثیری ندارد.

این مترجم و نویسنده به مناسبت هفته کتاب در گفت‌وگو با ایسنا، درباره مشکل کتاب‌نخواندن مردم ایران و پایین بودن سرانه مطالعه اظهار کرد: معمولاً علاقه به مطالعه باید از کودکی شکل بگیرد و چون این موضوع اهمیتی برای خانواده‌ها نداشته، ما ملت کتابخوانی نیستیم.

او سپس گفت: در سال‌های اخیر، قیمت کتاب افزایش داشته است البته نه به اندازه کالاهای دیگر و چون کتاب در اولویت خانواده‌ها نیست از سبد خانواده‌ها حذف شده است. در واقع با افزایش مشکلات اقتصادی، خانواده‌ها کالاهایی را که ضرورت ندارد حذف می‌کنند.

میرعباسی با بیان این‌که همیشه سرانه مطالعه ایرانی‌ها پایین بوده و قیمت کتاب زیاد بر کتابخوانی تاثیر نداشته است، خاطرنشان کرد: مشکل اصلی ما این است که ما ملت کتابخوانی نیستیم. تیراژ کتاب‌ها هم گواه این موضوع است که کتاب به عنوان یک ضرورت برای مردم تعریف نشده است. افراد علاقه مند به کتاب، آن را ولو با وجود افزایش قیمت تهیه کرده و می‌خوانند.

او سپس بیان کرد: کتاب صرفاً رمان نیست اما رمان دریچه‌ای برای شروع مطالعه است؛ هرچند آن طور که باید و شاید در مدرسه‌ها به آن توجه نشده و بچه‌ها را برای مطالعه تشویق نکرده‌اند. از طرف دیگر ما کتابخانه‌های عمومی مجهز نداریم. در اروپا در هر محله‌ای کتابخانه عمومی مجهز وجود دارد که افراد با حق اشتراک نازل کتاب تهیه می‌کنند. کتابخانه‌های عمومی تا حدودی می‌توانند گرانی کتاب را جبران کنند اما در ایران کتابخانه‌های عمومی در دسترس همگان نیست و آن‌هایی هم که هستند، مجهز نیستند و کتاب به روز ندارند.

این مترجم سپس درباره تاثیر محتوا بر کتاب‌نخواندن مخاطبان نیز گفت: در سال‌های اخیر به موازات این‌که تیراژ کتاب کاهش داشته، تنوع کتاب (منظورم ادبیات داستانی است) بالا رفته است و کتاب‌های بسیار متنوعی تولید می‌شود و کتاب‌های پرفروش اروپایی بلافاصله در ایران ترجمه می‌شود. ۲۰ سال پیش چنین چیزی قابل تصور نبود. به نظر من کتاب‌نخواندن مردم به دلیل محتوا نیست. تیراژ پایین کتاب‌ها هم به این دلیل است که ادبیات مخاطب کافی ندارد.

میرعباسی درباره ترجمه جدید خود از «مزرعه حیوانات» نوشته جورج اورول و دلیل محبوبیت این نویسنده در ایران اظهار کرد: در مقدمه «مزرعه حیوانات» هم عنوان کردم که دلیل اصلی من برای ترجمه این کتاب یک دلبستگی عاطفی بود. زمانی که می‌خواستم مدرک زبان انگلیسی را در اسپانیا بگیرم باید «مزرعه حیوانات» را می‌خواندیم. تفاوتی که ترجمه من با سایر ترجمه‌های موجود دارد این است که سرود حیوانات وزن و قافیه دارد، ندیدم این وزن و قافیه در ترجمه‌های دیگر رعایت شده باشد.

او بیان این‌که حدود ۷۵ سال از انتشار کتاب‌های جورج اورول می‌گذرد (از سال ۱۹۴۵) گفت: هنوز نمی‌توان گفت کتاب‌های او از کتاب‌هایی است که در قرن‌های آینده نیز خوانده خواهد شد. کتاب «۱۹۸۴» و «مزرعه حیوانات» در زمان نگارش، استالینیسیم را هدف قرار داده بودند، اما به دلایل گستردگی دید نویسنده به گونه‌ای نوشته شده‌اند که درباره شرایط دیگر نیز صدق می‌کنند و این موضوع باعث می‌شود که آثار او تاریخ مصرف نداشته باشد. جدا از این‌که کتاب‌ها پادآرمانشهری هستند، فضای کتاب‌ها به گونه‌ای واقعی و ملموس است؛ به عنوان مثال کتاب «سرگذشت ندیمه» فضایی کاملاً دور از ذهن دارد اما «۱۹۸۴» فضایی را توصیف می‌کند که برای فرد ملموس است و به خوبی به خواننده منتقل می‌شود.

این مترجم افزود: «مزرعه حیوانات» حالت تمثیلی نیز دارد و این موضوع باعث شده که این کتاب از بچه ۱۲ ساله تا پیرمرد ۹۰ ساله را جذب کند. این کتاب علی‌رغم این‌که یک مضمون را مورد هدف قرار داده و انتقاداتش مشهود است،

بعد از جنگ جهانی دوم و حتی سال های بعد از آن در انگلستان به دلیل نزدیکی این کشور با شوروی چاپ نشد. کسی که این کتاب را می خواند با وجود این که فضای توتالیتر را حس می کند، ذهنش به سمت استالین نمی رود؛ در واقع برای همه اتفاقات «مزرعه حیوانات» ما به ازای بیرونی در شوروی داریم و کسی که با تاریخ شوروی آشنا باشد همه این ها را از کتاب دریافت می کند و کسی که آشنایی نداشته باشد برایش جذاب است. شاید رمز موفقیت اورول هم همین باشد.

میرعباسی با اشاره به انتشار «سقوط» آلبر کامو، درباره این نویسنده نیز گفت: کامو هم مانند اورول از نویسندگان است که در ایران محبوب است؛ ممکن است یکی از دلایل این موضوع جذابیت شخصی خود کامو، نوع زندگی و مرگ زود هنگامش باشد که به کتاب ها جذابیت می بخشد. تعجب می کنم که کتاب «طاعون» با وجود این که داستان عاشقانه ای ندارد، مورد استقبال قرار گرفت. البته عرضه ترجمه «طاعون» با کرونا مصادف شد و شاید یکی از دلایل استقبال مخاطبان ایجاد حس همذات پنداری در مخاطب بود و طی یک سال به چاپ هشتم رسید. در شرایط فعلی این کتاب خیلی حالت خوشبینانه دارد و ارزش های ناب انسانی را بدون شعارهای بودن به صورت ملموس و جان دار به مخاطب انتقال می دهد.